

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۲۲

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۲/۱

تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی

پیشرفت

۷۷

فصلنامه علمی پژوهشی
اصلاحی - ایرانی

تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اسلامی
نویسندگان: زینب سنچولی

زینب سنچولی^{*۱}

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران، تهران، ایران.

چکیده

تحقق الگوی اسلامی _ ایرانی پیشرفت مبتنی بر انعکاس آرمان ها و اهداف نظام با انکا به پشتوانه های حقوقی و شرعی، تبیین کننده نگاهی سیستمی مشتمل بر تعیین اجزای مرتبط و ترسیم چگونگی ارتباط آنها، دارا بودن قابلیت تطبیق و دسترسی و بهره مندی از قابلیت پایداری و بقای تمدن اسلامی می باشد. این مقاله ابتدا به بازشناسی مفهوم و ماهیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می پردازد؛ سپس مفاهیمی چون عرصه های پیشرفت، مفهوم توسعه اسلامی، نقاط افتراق و اشتراک پیشرفت و توسعه و اهمیت دستیابی به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، الزامات، شاخصه ها و راهبردهای دستیابی به آن مورد بررسی قرار می گیرد. لذا در پرتو آرمان های اصیل انقلاب و همچنین امیدهای نهفته در سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران، طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را می توان به مثابه سنگ زیرین هر تلاش عالمانه جهت رشد و تعالی همه جانبه کشور تلقی نمود.

کلیدواژه ها: الگو، اسلامی، ایرانی، پیشرفت و توسعه.

Email: zsanchooli@yahoo.com

* ۱. ایمیل نویسنده:

مستندات تاریخی و روند شکل‌گیری استعمار غرب، حاکی از آن است که استعمار، همواره به عنوان مهمترین روش تحقق اهداف خود به ایجاد تغییرات ارزشی، فرهنگی و اجتماعی در کشورهای اسلامی و تحت سلطه پرداخته است و توسعه غربی با دامن زدن به تضادها و ایجاد و تحکیم ارتباطات عمودی، الفت درونی جوامع انسانی را عملاً سست می‌کند. (کاظمی، سید علی اصغر، ۱۳۷۷، ص ۱۴)

تأکیدات اخیر مقام معظم رهبری درباره تشریح ابعاد مختلف الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت نیز گواهی بر این مدعا است؛ که فرهنگ و مسائل فرهنگی نقش عمده ای را در سیاستگذاریهای کلان و طراحی اسناد بالا دستی نظام دارد.

تأکیدات ایشان بر « تلفیق دو فرهنگ اسلامی و ایرانی»، « انتخاب کلمه پیشرفت به جای مفهوم توسعه»، « تأکید بر اهمیت ابزارهای فرهنگی از جمله آموزش و پرورش و رسانه‌ها»، « توجه به مسائل و خطوط اصلی زندگی مانند امنیت، عدالت، رفاه، آزادی، حکومت، استقلال و عزت ملی در بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» و تأکید بر « اهمیت علم و معنویت» از جمله رویکردهای فرهنگی مورد نظر و موکد معظم له در تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به شمار می‌رود.

رهبر انقلاب اسلامی همچنین با اشاره به انتخاب کلمه « پیشرفت» به جای کلمه « توسعه» به دلیل بار ارزشی منفی این مفهوم در این الگو تأکید داشته اند: « کلمه توسعه، یک اصطلاح متعارف جهانی، با بار معنایی و ارزشی و الزامات خاص خود است که ما با آنها موافق نیستیم، بنا بر این از کلمه « پیشرفت» استفاده شد، ضمن اینکه وام‌نگرفتن از مفاهیم دیگران، در طول انقلاب اسلامی سابقه داشته است. .. با وجود همه تغییرات بوجود آمده در مدل‌های توسعه، به علت اینکه همه این مدلها از نگاه اومانستی و جهان بینی سکولار سرچشمه می‌گیرند، نتوانسته اند اهداف مورد نظر جوامع بشری را تأمین کنند، ضمن اینکه

علاوه بر تفاوت های ایدئولوژیک، جغرافیای پیشرفت ایران نیز متفاوت است»
(همان)

در کنار این مسائل رهبر انقلاب اسلامی، همچنین معنویت را نیز مهمترین عرصه ای عنوان داشته اند که در کار پیچیده، دقیق و بلند مدت تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، باید به آن توجه شود، چرا که معنویت، روح پیشرفت واقعی در همه زمینه ها و مسائل است.

از نگاه مقام معظم رهبری، «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید به گونه ای تدوین شود که جامعه را به سمت جامعه ای متفکر سوق دهد و جوشیدن فکر و «اندیشه ورزی» به حقیقتی نمایان در جامعه تبدیل شود» (همان)

تبیین اصطلاحات و مفاهیم بکار رفته در موضوع

در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، چند مفهوم کلیدی به چشم می خورد که با تجزیه موضوع می توان مهم ترین آنها را الگو، اسلامی، ایرانی، پیشرفت دانست.

۱- الگو: الگو، چارچوب نظری و ذهنی است که پایه و معیار حرکت قرار می گیرد. الگو، نقشه راه است. رهبر معظم انقلاب اسلامی، الگو را نقشه جامع دانسته اند که به ما می گوید به کدام سمت و برای کدام هدف داریم حرکت می کنیم. بدون نقشه جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد، همچنان که در طول این سی سال به حرکت های هفت و هشتی، بی هدف و زیگزاگ مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم. (خامنه ای، سیدعلی، ۱۰/۹/۸۹)

برای طراحی الگو باید نهضت نرم افزاری و جنبش تولید علم را جدی گرفت، گفتمان سازی، نظریه پردازی و تئوری پردازی لازم دارد، یک شأن نخبگانی است که باید در دراز مدت تحقق پیدا کند. اتاق های فکر راه انداخت، نشست های راهبردی و همایش های تخصصی برگزار کرد و با فراخوان مقالات و میزگردهای علمی و فعال نمودن کمیته ها و کارگروه های کارشناسی به بررسی موضوع

پرداخت و با تعریف و طراحی پروژه‌های پژوهشی و طرح‌های تحقیقاتی به بررسی‌های کارشناسی ابعاد، گستره و عمق بیشتری بخشید.

۲- اسلامی: اسلامی بودن الگو، به معنای استخراج مبانی، چارچوب‌ها و الگوی پیشرفت از منابع و مبانی اسلامی می‌باشد، مبتنی بر مبانی نظری و فلسفی اسلام می‌باشد؛ تمامی مراحل و فرایندهای طراحی و اجرای الگو باید بر خواسته از اسلام باشد. تقلید از اندیشه‌های غیر اسلامی و چارچوب‌های غربی و غیربومی در این زمینه زیانبار است اگر چه استفاده از نقاط مثبت دستاوردهای فرهنگ و تمدن بشری، پس از بومی‌سازی مدنظر خواهد بود.

این الگو... اسلامی است، به خاطر این که غایات، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت، یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است. (همان)

۳- ایرانی: ولی امر مسلمین، علیرغم پذیرفتن نگاه کارشناسان و نخبگان در خصوص منظور از ایرانی بودن الگو با شاخصه‌هایی همچون شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط فرهنگی، شرایط اقلیمی، شرایط جغرافیای سیاسی ایرانی داشتن تاکید می‌کنند که: الگوی ایرانی، طراحان آن متفکران ایرانی هستند. ما نمی‌خواهیم این الگو را از دیگران بگیریم، ما می‌خواهیم آنچه را که خودمان لازم می‌دانیم، مصلحت کشورمان می‌دانیم، آینده‌مان را می‌توانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم، این را در یک قالبی بریزیم. (همان)

۴- پیشرفت: منظور از پیشرفت، وجود حرکت، تکاپو و جهش از وضع موجود به سمت رسیدن به وضع مطلوب یعنی چشم‌انداز یا اهداف بلندمدت و میان‌مدت است، در این الگو، ایستایی، رکود، توقف و تردید راه ندارد و این پیشرفت باید در مقایسه با رقبای ما مشهود و ملموس باشد، رشد و تعالی انسان محقق شود.

پیشرفت عبارت است از مدیریت آگاهانه ی روند پویش؛ یعنی حرکت انسان در زندگی او به طور خودآگاهی پایش شود به طوریکه این پایش حرکت، زائیده ی یک هدف گذاری تعریف شده باشد.

در این راستا الگوی پیشرفت، نسخه ای هویتی می باشد که مؤلفه های هویتی آن، از نوع هویت حاکم بر یک تمدن تبعیت می کند به نوعی باید گفت که هر الگوی پیشرفت بازتاب دهنده ی تفکرات اعتقادی حاکم بر تمدن موجد آن می باشد. (امرائی، حسن، ۱۳۸۸، ص ۴۲)

۵- الگوی پیشرفت:

الگوی پیشرفت عبارت است: از نسخه ای راهبردی که مؤلفه های هندسه ی هویتی یک تمدن را ارائه می دهد. (همان)

۶- الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت:

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت عبارت است از:
« نسخه ای راهبردی که مؤلفه های جهان بینی حاکم بر تمدن اسلامی - ایرانی را ارائه می دهد»

به عبارت دیگر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت: مدلی از خرد و اندیشه ی ایرانی می باشد برای رسیدن به آرمان اسلامی. (همان)

مبانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

پشت تمدن های بزرگ تاریخی یک دین نهفته است؛ مکتبی که نتواند فرهنگ ساز باشد نمی تواند فرهنگ را به تمدن تبدیل کند و کالبد عینی و فیزیکی به آن بدهد. فرهنگ اسلامی در دوره های مختلف تبدیل به تمدن شده است. فرایند تبدیل ایدئولوژی به فرهنگ در دهه اول انقلاب شکل گرفت در آن که دین

می‌تواند در عرضه فرهنگی و اجتماعی نهادسازی بکند و به فرهنگ منجر شود. اتفاق افتاد اما این تبدیل کامل نیست. انقلاب اسلامی زمانی می‌تواند هویت سازی بکند تعریف جدیدی از هویت اسلامی ارائه دهد و فرهنگ را تبدیل به تمدن بکند. هدف انقلاب اسلامی از استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی در تفکر امام(ره) ایجاد یک تمدن نوین است، تمدنی بر پایه ارزش های انسانی، دینی شکل بگیرد و بتواند در برابر هویت سکولار تمدن غرب ایستادگی کند، ما در یک نقطه عطف تاریخی هستیم و ذهنیت نخبگان باید به سمت ایجاد یک تمدن متوجه شود تمدنی که نقطه آغازش نظریه ها و دانش هاست و تولید نظریه و دانش، نیازمند خیزش جدید است و حوزه دانشگاه رسالت دارند که این خیزش اتفاق بیفتد. این خیزش و جنبش نباید در کلیه نخبگان و اساتید باقی بماند بلکه باید در سطح بدنه حوزه و دانشگاه مطرح شود و این امر زمانی رخ می دهد که به تعبیر رهبر معظم انقلاب، اندیشه ورزی عادت نخبگان شود. بخشی از وظایف مدیریت فرهنگی در حوزه و دانشگاه برنامه ریزی برای تولید دانش و اندیشه است دانش های تمدن ساز دارای سه لایه عمده هستند لایه اول رویی ترین لایه، گزاره های علمی هستند. لایه دوم، نظریه ها قرار دارند و لایه سوم چارچوب ها و پارادایم ها هستند. وضعیت فرهنگی و تولید دانش در جامعه ایران محدود به گردش در حوزه گزاره هاست. در حوزه و دانشگاه علوم انسانی از ساخت گزاره ها به ساخت نظریه ها نفوذ کرده است. تولید نظریه در یک فضای آزاد و گفتگوی فعال صاحبان تخصص ها امکان پذیر است. نظریه ها باید قابلیت سازگاری درونی دارا باشد و در آرمان آن بر بنیادهایی بنا شده باشد که امکان تفاهم عقلایی ایجاد کند و با فرهنگ و آرمانهای جامعه نسبت و ارتباط داشته باشد. بر این اساس نخبگان دانشگاه و حوزه علمیه ما با یک تأمل جدید و آغاز رویکرد تازه به تولید اندیشه برساند سطح تولید اندیشه باب شود گام بعدی این است که نشان دهیم این الگو دارد و کارآمد است. (نجفی علمی، همان، صص ۳۸-۳۷)

به هر روی توجه به مردم و اصول حاکم بر مردم در نقشه‌ی جامع پیشرفت لازم است. این اصول به صورت زیر است.

۱- **محور بودن مردم:** در منطق اسلامی، قدرت، عزت، آبرو، خوش نامی و امکانات، فقط و فقط برای خدمت به مردم و حرکت دادن خود و جامعه و کشور در راه نظام مقدس اسلامی و رسیدن به آرمان‌های بلندی است که انسان‌ها نیازمند آن هستند. (خامنه‌ای، سیدعلی، ۸۰/۲/۱۱)

مردم‌سالاری در نظام اسلامی، مردم‌سالاری دینی است؛ یعنی به نظر اسلام متکی است؛ فقط یک قرارداد عرفی نیست. مراجعه به رأی و اراده و خواست مردم، در آن جایی که این مراجعه لازم است، نظر اسلام است؛ لذا تعهد اسلامی به وجود می‌آورد. (خامنه‌ای، سیدعلی، ۸۱/۳/۱۴)

بر پایه‌ی این اصل، در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد. در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده‌ی مردم نسبت به یک‌دیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را، قانون معین می‌کند. «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیا بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر».

۲- **اصل توجه به خانواده:** خانواده، واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده‌ی انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. براساس این اصل، از آن‌جا که خانواده واحد بنیادی جامعه‌ی اسلامی است،

همه‌ی قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه‌ی حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

۳- عدالت و تأمین اجتماعی: اصل عدالت اجتماعی، اجرای عدالت، در نظر گرفتن حق توده‌های وسیع مردم و پُرکردن فاصله‌ی طبقاتی، یکی از اصول اصلی نظام اسلامی است. (خامنه‌ای، سیدعلی، ۸۱/۳/۱۴) اولین عمل در نظام اسلامی اجرای عدالت اجتماعی است. این مهم باید در تمام برنامه‌ریزی‌ها، عمل‌ها و امثال آن، مورد توجه قرار گیرد. .. مبارزه با فقر، غیر از تأمین عدالت اجتماعی است. نباید این دو را یکسان تلقی کرد. عدالت اجتماعی، یعنی استقرار عدل در جامعه و از بین رفتن هرگونه تبعیض، یک ارزش بالاتر و یک مسأله‌ی دیگر است. (خامنه‌ای، سیدعلی، ۶۸/۱۱/۹)

اگر در موردی پیش آمد که یک سود دنیوی در جهت هدف‌های اُخروی قرار نگرفت، تا آن جایی که ممکن است، انسان باید سعی کند این سود دنیوی را در جهت هدف‌های اُخروی قرار دهد. اگر یک جا با هم سازگار نبود، جنبه‌ی اُخروی را ترجیح دهد؛ یعنی از آن سود صرف‌نظر کند و آن گناه را مرتکب نشود.

اساس در نظام اسلامی، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. نظام اسلامی معتقد به یک جامعه‌ی ثروتمند است، نه یک جامعه‌ی فقیر و عقب‌مانده. معتقد به رشد اقتصادی است؛ ولی رشد اقتصادی برای عدالت اجتماعی و برای رفاه عمومی، مسأله‌ی اول نیست. آنچه در درجه‌ی اول است، این است که فقیر در جامعه نباشد؛ محروم نباشد؛ تبعیض در استفاده از امکانات عمومی نباشد. هر کس برای خودش امکاناتی فراهم کرد، متعلق به خود اوست. اما آنچه که عمومی است مثل فرصت‌ها و امکانات، متعلق به همه‌ی کشور است و باید در این‌ها تبعیضی وجود نداشته باشد. (خامنه‌ای، سیدعلی، ۷۲/۵/۱۲)

برپایه‌ی اصل عدالت و تأمین اجتماعی، برخورداری از تأمین اجتماعی به جهت استفاده از مزایای بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی همگانی است. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند. و داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده‌ی ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند به خصوص روستانشینان و کارگران زمینه‌ی اجرای این اصل را فراهم سازد.

شاخصه های اساسی الگوی اسلامی _ ایرانی پیشرفت

شاخصه های سه گانه الگوی اسلامی _ ایرانی پیشرفت عبارت است از:

۱- ابتناء بر عدالت و معنویت

به عنوان مقدمه ای برای عدالت اجتماعی (خامنه ای، سید علی، ۱۳۷۴/۰۶/۰۸) (چنانچه پیشرفت به تنهایی در صورتیکه در جهت استقرار عدالت نباشد فاقد ارزش بوده و آبادانی و اعتقاد به نجات حقیقی، منوط به تحقق عدالت اجتماعی می باشد) (خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۵/۰۸/۱۷) و رشد توأمان با ارتباط مستقیم پیشرفت و عدالت (چنانچه پیشرفت اقتصادی بدون عدالت اجتماعی، فاقد تاثیر در رفع فقر و محرومیتها خواهد بود و از طرفی عدالت اجتماعی بدون پیشرفت نیز فاقد کارایی خواهد بود)، (خامنه ای، سید علی، ۱۳۷۹/۰۲/۱۴) و سیله ای برای رشد و تعالی انسان (خامنه ای، سید علی، ۱۳۷۴/۰۶/۰۸) و زمینه ساز برقراری عدالت حکومت حق و روابط انسانی در جامعه و دنیای آباد و در نهایت یک مقدمه‌ی واجب برای کمال نهایی انسان بر خلاف پیشرفت در غرب که مبتنی بر سود مادی منهای اخلاق و معنویت (خامنه ای، سید علی، ۱۳۷۶/۰۴/۲۵ و ۲۵/۰۲/۱۳۸۶) با توجه به تاثیر فوق العاده مبانی معرفتی، فلسفی

و اخلاقی در نوع پیشرفت و تعیین کننده مشروعیت، مطلوبیت و عادلانه بودن آن و شیوه ها و ابزارهای دستیابی به پیشرفت (خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۸/۲/۲۷) و با تاکید بر پایه‌ی دو ساحتی بودن اساس دیدگاه اسلام به انسان در دنیا و آخرت و ضرورت پیشرفت و آباد سازی هر دو به عنوان فارق عمده ماهیت پیشرفت در اسلام با تمدن غرب و وجود انحراف در فرهنگ اسلامی در تاکید بر هر یک از دو ساحت مذکور بدون توجه به دیگری (همان) و توجه به مفهوم پیشرفت و عدالت به معنای وسیع پیشرفت همه جانبه مادی و پیشرفت معنوی همچون توجه توأمان به معیشت، اشتغال مردم، پیشرفتهای علمی و فناوری و نیز گسترش فکر روشن، اعتقاد عمیق، انگیزه‌ی روزافزون و جوشان و اخلاق انسانی و والای اسلامی (خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۷/۷/۷)

۲- انطباق با مقتضیات بومی

منطبق بر خصوصیات جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی کشور و متناسب با اقتصاد، فرهنگ، امنیت، معنویت و اخلاق با محاسبه امکانات، تواناییها و زمینه‌های کشور (خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵) و ضرورت جستجوی الگوی بومی پیشرفت با توجه به فقدان یک مدل واحد برای پیشرفت و مبتنی بودن الگوی ویژه برای هر کشور متناسب با شرایط بومی (خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۸/۲/۲۷) ضمن پرهیز از مدل‌های وارداتی و تقلیدی و ضرورت طراحی مدل توسعه بومی در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، مواردی و اعتقادات و ایمان مردم (خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷) و معایر بودن پیشرفت ملی با توسعه غربی با القای فرایند توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته با ایده ال توسعه غربی (خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۸/۲/۲۷) و نیز پرهیز از بیراهه های پیشرفت همچون وابستگی در دوره قاجار با نام پیشرفت (خامنه ای، سید علی، ۲۵/۰۲/۱۳۸۶) و انحراف و سقوط به واسطه پیشرفتهای دوره‌ی پهلوی با معیار و ملاک قرار دادن غربی‌ها و دنبال آنها حرکت

کردن و نیز ناامیدی از تحرک و پیشرفت در مقابل غرب با روحیه خودباختگی و توجیه مبتنی بر واقع بینی (خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۷/۷/۷)

۳- تضمین کننده‌ی استقلال کشور

با تاکید بر ضرورت تضمین کننده‌ی استقلال کشور و حفظ قدرت تصمیم‌گیری در الگوی پیشرفت کشور به عنوان یک شاخص و عدم غفلت در دستیابی به پیشرفت ظاهری و سراب پیشرفت - با وابسته شدن در سیاست و اقتصاد و غیره - و ناچاری در دنباله روی از غرب (خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۸/۲/۲۷)

الزامات طراحی الگوی پیشرفت اسلامی

اسلامی بودن الگوی پیشرفت، مانند هر مقوله دیگر دارای شاخصه‌ها، و الزاماتی است که بدون مراعات دقیق آنها در فرایند طراحی و اجرا، نمی‌توان مدعی اسلامی بودن شد. برخی از مهم‌ترین این الزامات عبارتند از:

۱- **اعتقاد به توحید و مبدا عالم:** این اولین مسئله است. مهمترین مشکل دنیایی که امروزه رنگین‌ترینش در غرب متجلی است، جدایی از خدا و اعتقاد به خدا و التزام به اعتقاد به خداست. (سوره بقره، آیه ۱۵۶، سوره حشر، آیه ۲۴، سوره فتح، آیه ۴)

۲- **توجه کامل به معاد، محاسبه و زندگی پس از مرگ:** ملتی که به حساب و کتاب «فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره و من يعمل ذره شرا یره» باور دارد و در برنامه عملی‌اش لحاظ کند، در زندگی‌اش تحول اساسی پدید می‌آید. (سوره زلزله، آیه ۷ و ۸، سوره عنکبوت، آیه ۶۴) جهاد و ایثار بدون اعتقاد به معاد، معنا پیدا نمی‌کند.

۳- **نگاه اسلامی به رستگاری و محور بودن انسان:** انسان، محور است. همه این مسائلی که ما داریم بحث می‌کنیم، مسئله عدالت، امنیت، رفاه، عبادت، برای این است که فرد انسان سعادت‌مند شود و اینها از مقدمات نجات و سعادت انسان

هستند. و هدف نهایی عبارت است از رستگاری انسان. (سوره مائده، آیه ۲، سوره حدید، آیه ۲۵، سوره بلد، آیه ۸-۱۰)

۴- **پیوستگی دنیا و آخرت:** دنیا مزرعه آخرت است. دنیا و آخرت دوروی یک سکه هستند، کافر همین حالا توی جهنم است اما نمی فهمد. (الدیلمی، الحسن بن ابی الحسن، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۸۹)

۵- **توجه به نگاه اسلام به امر حکومت:** صلاح فردی در امر حکومت در اسلام، بسیار مهم و اساسی است، هرکس به هر اندازه‌ای از مدیریت که می‌خواهد مباشرت کند، بایستی صلاحیت آن را در خویش به وجود بیاورد یا در خودش ببیند و بپذیرد، بدون این، عمل نامشروعی انجام داده است. (سوره دخان، آیه ۳۱) در امر حکومت، اسراف، علو و استعلاء و استتثار، دست به دست کردن بیت‌المال بین خودشان و... ممنوع و مردود است.

۶- **نگاه اسلامی و نگاه غیر مادی به اقتصاد:** بسیاری از این مشکلاتی که در دنیا پیش آمده، به خاطر نگاه مادی به مسئله اقتصاد و مسئله پول و مسئله ثروت است. اسلام برای ثروت اهمیت قائل است، اعتبار قائل است، تولید ثروت در اسلام مطلوب است، منتها با نگاه الهی و معنوی. نگاه الهی و معنوی این است که از این ثروت برای فساد، برای ایجاد سلطه، برای اسراف نباید استفاده کرد، از این ثروت بایستی برای سود جامعه بهره برد.

۷- **عدالت محوری:** یکی از ارکان اصلی این الگو، باید حتما مسئله عدالت باشد. اصلا عدالت، معیار حق و باطل حکومت هاست. یعنی در اسلام، اگر شاخص عدالت وجود نداشت حقانیت و مشروعیت زیر سوال است. (خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۰/۹/۸۹)

الزامات تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۱- تحول در علوم اجتماعی و علوم انسانی، مبتنی بر آموزه‌های وحیانی.

- ۲- شناسایی و سازماندهی صاحب‌نظران مسلمان.
- ۳- برنامه ریزی برای آموزش و ترویج الگوی طراحی شده.
- ۴- حفظ استقلال جمهوری اسلامی ایران.
- ۵- حفظ وحدت و استحکام اجتماعی اقشار مختلف و تمامی مسلمانان.
- ۶- تدریجی بودن تحقق آن.
- ۷- استفاده از تجارب موفق در جهان.
- ۸- مبارزه همه‌جانبه با نظام سلطه و افشای ماهیت آن.
- ۹- ایجاد امیدواری در مردم به ویژه جوانان.
- ۱۰- حمایت از محرومین و مستضعفان جهان.
- ۱۱- تقویت فرهنگ کار و تلاش و جهاد اقتصادی.
- ۱۲- تلاش برای تحقق عدالت اجتماعی در همه ابعاد.
- ۱۳- حفظ و تحکیم بنیان خانواده و پایه‌ریزی نظام تعلیم و تربیت اسلامی.
- ۱۴- تاسیس حلقه‌های فکری و کرسی‌های نظریه‌پردازی و توسعه همه‌جانبه علم، فناوری و تفکر. (علی احمدی، علیرضا، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹)

اهمیت دستیابی به الگوی اسلامی _ ایرانی پیشرفت

ساخت کلی الگو باید متناسب با اهداف، جهت‌گیری‌ها و ارزش‌های مورد نظر جامعه باشد. الگوهای مختلف برنامه‌ریزی می‌توانند از نظر ساخت الگو دارای تفاوت‌های چشمگیری باشند. هرچند روش‌های تکنیکی محاسبات و برآوردها در تمام الگوهای برنامه‌ریزی دارای تشابه‌های بسیار است اما باید تأکید کرد آنچه یک الگوی برنامه‌ریزی را از الگویی دیگر متمایز می‌سازد، ساخت کلی الگو است به طوری که مشخص می‌سازد چه مسایلی به طور مستقیم در الگو مورد نظر قرار گرفته و حصول به چه اهداف مشخصی مورد توجه بوده است. از اینجا است که در هر نظام برنامه‌ریزی، تدوین و انتخاب الگوی مناسب دارای جایگاه

ویژه و بسیار با اهمیتی است. (عظیمی، حسین، ص ۴۲)

امروزه تهاجم بر اصل حیات اجتماعی اسلام، توسط مدلها صورت می گیرد. تهاجم عینی به وسیله تصمیم گیری اجتماعی واقع می شود. به عبارت دیگر هر جامعه ای مسئولینی برای تصمیم گیری کل جامعه دارد که آنها درباره ی کل مقادورات جامعه، تصمیم گیری می کنند اما تصمیم سازی برای تصمیم گیران به وسیله مدلها انجام می گیرد. (حسینی، منیرالدین، ۱۳۸۰، ص ۱۲۹)

لذا با توجه به وجود نقاط افتراق و اشتراک پیشرفت اسلامی با توسعه ی غربی و تاثیر مبانی معرفتی در نوع پیشرفت (خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۸/۲/۲۷) ضروری و حیاتی بودن (خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۶/۲/۲) دستیابی به الگوی توسعه اسلامی - ایرانی از دو جهت کاملاً برجسته می باشد:

اول- تضمین کننده دستیابی به رشد، تعالی و حیات طیبه

الگوی توسعه اسلامی _ ایرانی به عنوان قابلیت انحصاری ادیان الهی در مقابل نظامهای سرمایه داری غرب با هدف دستیابی به سمت حیات طیبه و زندگی گوارا (خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۳/۰۱/۰۲) و نیز در مقابل افکار غیر اسلامی مبنی بر تجویز کنار گذاشتن عدالت به عنوان ارزشی درجه دو در دوره ای از مسیر حرکت جامعه اسلامی؛ (خامنه ای، سید علی، ۱۳۷۴/۰۶/۰۸ و ۱۳۸۴/۰۶/۰۸) تضمین کننده دستیابی به رشد، تعالی و حیات طیبه می باشد. (خامنه ای، سید علی، ۱۳۷۰/۰۸/۰۱) **دوم-**

مقدمه فراگیری اسلام در جهان

با تداوم، توسعه و فراگیر نمودن این رویکرد و مدل کارآمد در محیط داخلی و بین المللی (خامنه ای، ۱۳۸۴/۰۲/۱۸ و ۱۳۸۳/۰۶/۲۵) با ترکیبی متوازن و سازگار با عنوان توسعه - عدالت محوری دارای قابلیت ایجاد الگویی کارآمد برای همه کشورهای اسلامی به عنوان منطق، استراتژی و نوآوری نظام جمهوری اسلامی در مقابل

سیاستهای اقتصادی ناعادلانه دنیا مبتنی بر توسعه محوری (خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۷/۰۶/۰۲) در راستای الگوسازی نظریه‌ی سیاسی اسلام در دنیا (خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۰/۰۸/۲۰) مقدمه فراگیری اسلام در جهان فراهم می باشد.

راهبردهای دستیابی به الگوی اسلامی _ ایرانی پیشرفت

راهبردهای پنجگانه دستیابی به الگوی اسلامی _ ایرانی پیشرفت عبارتند از:

۱- طراحی و تهیه نقشه راه عدالت و پیشرفت

با توجه به ضرورت تدوین نقشه‌ی پیشرفت اسلامی - ایرانی و روشن شدن ابعاد و زوایایش به طور کامل بر خلاف مسیر پیشرفت غربی و شرقی (خامنه ای، سید علی، ۸۷/۲/۱۴) در جهت تداوم و تکامل رویکرد «عدالت و پیشرفت توأمان» مبتنی بر پیشرفت چشمگیر و عدالت محسوس در سطح کشور و طراحی و تهیه نقشه‌ی راه در این جهت (خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۷/۰۶/۳۰، ۱۳۸۷/۰۶/۰۴، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱)، مهمترین وظیفه نخبگان اعم از دانشگاهی و حوزوی تنظیم نقشه جامع پیشرفت کشور براساس مبانی اسلام (خامنه ای، سید علی، ۲۵/۰۲/۱۳۸۶) خواهد بود و لذا انجام اقدامات اساسی در تدوین الگوی توسعه ایرانی - اسلامی مبتنی بر رشد و بالندگی انسانها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه ای متکی بر ارزشهای اسلامی و انقلابی با تحقق شاخصهای عدالت اجتماعی و اقتصادی توسط قوای سه گانه ی کشور در دوره ی پنج ساله آینده (خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱) مورد انتظار می باشد.

۲- تعیین عدالت اجتماعی به عنوان محور توسعه

با تاکید بر تنظیم جهت گیری همه امور در مسیر تحقق عدالت اجتماعی و نفی فقر، محرومیت و شکاف طبقاتی در مقابل تعابیر جاهلانه سالهای اخیر که در تقابل و عدم اعتقاد راسخ به راهبرد عدالت محوری و در تخریب رویکرد عدالت

محوری با نامگذاری غیر واقعی مبتنی بر توزیع فقر (خامنه ای، سید علی، ۱۳۷۶/۰۵/۱۲) و لحاظ نمودن رویکرد پیشرفت عادلانه در همه سیاستگذاریها و برنامه ریزیهای اجرایی و بخشی مبتنی بر کمک به طبقات محروم جامعه، کاهش فاصله‌ی و پرشدن شکاف بین فقیر و غنی، (خامنه ای، سید علی، ۱۳۷۲/۰۱/۰۱ و خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۴/۰۲/۱۸) و رفع محرومیت به نفع ایجاد عدالت و ضرورت محاسبه اولیه، در تاثیر برنامه ریزی در همه اقدامات در ایجاد عدالت اجتماعی برای مردم به عنوان محور توسعه (خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۰/۰۶/۰۵ و ۱۳۸۲/۰۵/۱۵) دستیابی به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت میسر می گردد.

۳- تبدیل پیشرفت و عدالت به گفتمان ملی

تاکید بر تبیین مسئله پیشرفت و عدالت به منظور راسخ نمودن عزمها و تبدیل آن به یک گفتمان ملی و مطالبه همگانی و تحقق آن، فرایند دستیابی به الگوی توسعه اسلامی - ایرانی را تسهیل می نماید. (خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۸/۲/۲۷)

۴- بهره گیری از نقاط اشتراک پیشرفت اسلامی با توسعه‌ی غربی

عدم غفلت از اشتراک پیشرفت اسلامی با توسعه‌ی غربی، فارغ از نقاط افتراق پیشرفت با منطق اسلامی و توسعه‌ی غربی همچون روح خطرپذیری، روح ابتکار، اقدام و انضباط و الزام در بکارگیری آنها و بهره گیری از آنها به عنوان تجربیات بشری در توانمند سازی الگوهای بومی مورد تاکید می باشد. (خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۸/۲/۲۷)

۵- تولید علم و عبور از مرزهای دانش

ضرورت تولید علم با توجه به لزوم جبران عقب ماندگی‌های گذشته و استفاده از راههای میان‌بر در همه‌ی علوم، به عنوان الزام حتمی پیشرفت کشور تصور می گردد. (خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۸/۲/۲۷)

مفهوم توسعه اسلامی

همان گونه که دین برای توسعه فردی و اجتماعی بشر حرف نو دارد؛ دین صرفاً پاسخگوی نیازهای فردی آحاد بشر و یا نیازهای معنوی انسانها نمی باشد، بلکه دین برنامه تکامل همه جانبه فرد و جامعه را در طول تاریخ به همراه خود داشته و دارد. اسلام هیچگاه حیات بشر را محدود به دنیای دنی نمی نماید تا کمال او را به آنچه در این دنیا اندوخته و در اینجا توان بهره برداری از او را دارد محدود نماید، لذا ابزارها و امکانات مادی را برای ایجاد تعالی فکری و روحی بشر قرار داده و استفاده از آنها را لازم می داند. این امر در سطح وسیع و گسترده تری در جامعه و تعریف الگوی توسعه آن تجلی می یابد. (پیروزمند، علیرضا، ۱۳۷۶، ص ۲۵-۲۷)

در اسلام توسعه بر اساس موقعیت و جایگاه انسان و نقش وی در توسعه تعیین می گردد. در این نظام اصل و اساس بالا رفتن نسبت تاثیر اجزاء مجموعه در جریان رشد یعنی هر چه موثر بودن در هدایت جامعه است. (مرعشی، سید جعفر، ۱۳۷۷، ص ۵۹)

مرحوم علامه طباطبایی توسعه را اینگونه تعریف می نماید:

توسعه عبارت است از تحول مداوم در روابط، قوانین و ابزار حیات برای دستیابی به اهداف انسانی. (طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، شماره ۵۷)

در بیان تعریف توسعه از دیدگاه اسلام تلاشهای اندیشمندان مسلمان نیز طیف قابل توجهی را به خود اختصاص داده است، برخی توسعه را رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی معرفی نموده اند و در واقع توسعه را همان رشد اقتصادی با قید عدالت دانسته اند و برخی در نقطه کاملاً مقابل، توسعه را توسعه اخلاق و مذهب به نحوی که اقتصاد را شکوفا سازد بر شمرده اند. در تعاریفی همچون رشد مستمر اقتصادی همراه با تحکیم پایه های معنوی و مادی یا رشد مستمر اقتصادی در صورتی که به تخریب محیط زیست مادی و معنوی منجر نشود و آحاد جامعه از دستاوردهای آن بهره مند گردند، یا تحولات کمی و کیفی

در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه به نحوی که تعالی و کمال انسان در آن تضمین شود یا وضعیتی که انسان به گونه ای تربیت شود که با تسلط بر تکنولوژی و استفاده بهینه از منابع، توان برنامه ریزی جامع جهت تأمین رفاه جامعه را داشته باشد و زمینه نیل به کمالات را برای همه فراهم کند، تلاش بر جهت دهی و معنی بخشی به توسعه و در واقع رعایت ویژگیهای توسعه از نظرگاه اسلام است ولیکن همه ملاحظات و ویژگیهای توسعه اسلامی را در بر ندارد. (ندایی، هاشم، ۱۳۸۷، صص ۱۱۳-۱۱۴)

نقاط افتراق و اشتراک توسعه و پیشرفت

در مباحث مطرح شده از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی، پیشرفت غیر از توسعه قلمدادگردید؛ در بیانات معظم له به نقاط افتراق و اشتراک دو مفهوم توسعه و پیشرفت اشاره شده است که اهم آن مطالب به اختصار ارائه می شود.

الف- نقاط افتراق پیشرفت و توسعه

مهمترین نقاط افتراق پیشرفت و توسعه عبارتند از:

۱- **عدالت:** پیشرفت همراه با عدالت است اما توسعه همواره منهای عدالت بوده است؛ در غرب به عدالت توجه نمی شود و حتی عدالت اجتماعی را مانع توسعه می دانند.

۲- **الگوی بومی یا غربی:** در توسعه، منظور غربی ها از توسعه یافتگی مترادف با غربی شدن است؛ کشور توسعه یافته کشوری است که کاملاً در تمامی ابعاد و عرصه ها، فرهنگ و هنجارهای غربی را پذیرفته و بکار بسته است. و از نگاه آنان کشور در حال توسعه به کشوری اطلاق می شود که در حال پذیرش و تحقق و کاربست فرهنگ غرب است؛ اما الگوی پیشرفت، خاستگاه بومی و اسلامی دارد، در آن استقلال همه جانبه محقق می شود.

۳- نگاه به انسان: در اسلام هدف از پیشرفت، رستگاری و رشد و تکامل و تعالی و آسایش انسان است و انسان را خلیفه و جانشین خداوند می‌داند و در قانونگذاری، برنامه‌ریزی و اجرا، به نیازهای اساسی انسان توجه دارد. اما در توسعه غربی انسان جایگزین خدا قلمداد می‌شود و خواست انسان را معیار حق می‌دانند، نسبت به انسان تنها نگاه مادی و ابزاری و دنیوی دارند و به اخلاق و معنویت توجه ندارند.

ب- وجوه اشتراک پیشرفت و توسعه

۱- روح خطر پذیری

۲- روح ابتکار و خلاقیت

۳- اقدام و انضباط

این‌گونه امور در هر جامعه‌ای برای پیشرفت و توسعه لازم و ضروری هستند.

عرصه‌های پیشرفت

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، از جامعیت لازم برخوردار خواهد بود و تمامی ابعاد و عرصه‌های مورد نیاز کشور را شامل می‌شود. رهبر معظم انقلاب در بیانات خویش، در نخستین جلسه نشست‌های راهبردی تدوین الگو، مهم‌ترین عرصه‌های پیشرفت را در چند محور اساسی دسته‌بندی نمودند:

۱- پیشرفت در عرصه تفکر، منطق و بصیرت: ما بایستی جامعه را به سمت یک جامعه متفکر حرکت دهیم، این هم درس قرآنی است؛ البته این از مجموعه نخبگان شروع خواهد شد، بعد سرریز خواهد شد به آحاد مردم.

۲- پیشرفت در عرصه علم: البته علم هم خود، محصول فکر است. خوشبختانه چندسالی است که این حرکت شروع شده، نوآوری علمی و حرکت علمی و به سمت استقلال علمی حرکت کردن.

۳- پیشرفت در عرصه زندگی و کار و تلاش: همه چیزهایی که در زندگی یک جامعه، به عنوان مسائل اساسی و خطوط اساسی مطرح است، در همین عنوان می‌گنجد. مثل امنیت، عدالت، رفاه، استقلال، عزت ملی، آزادی، تعاون، حکومت؛ اینها همه زمینه‌های پیشرفت است، که باید به اینها پرداخته شود.

۴- پیشرفت در عرصه معنویت، ایمان و اخلاق: که از همه اینها مهم‌تر است و روح همه اینهاست. ما بایستی این الگو را جوری تنظیم کنیم که نتیجه آن این باشد که جامعه ایرانی ما به سمت معنویت بیشتر پیش برود... باید برای همه روشن شود که معنویت نه با علم، نه با سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه‌های دیگر، هیچ منافاتی ندارد، بلکه معنویت روح تمام اینهاست... البته نمونه کامل این دنیا در دوران ظهور حضرت بقیه الله (ارواح‌نافداه) اتفاق خواهد افتاد. (خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۰/۹/۸۹)

جایگاه عدالت اجتماعی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

در دوران کنونی، عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی جوامع بشری، به شدت به یکدیگر نزدیک شده و درهم تنیده‌اند. این وضعیت موجب شده که عرصه‌های اجتماعی اعم از اقتصاد، سیاست، فرهنگ، حقوق، خانواده و حتی امور امنیتی و نظامی به گونه‌ای فراگیر در ابعاد و اجزای یکدیگر ترکیب شده و اولاً، روابط درون هر یک از عرصه‌ها به صورت پیوسته و منسجم و در جهت هدفمندی‌های کلان برنامه‌ریزان قرار گیرند و ثانیاً، مجموع عرصه‌ها، تأثیر و تأثر و روابطی پیوسته و منسجم در میان خود برقرار کنند و در نهایت الگوی کلان و فراگیر همه عرصه‌ها را شکل دهند. در نتیجه، تحقق هر هدف کلان اجتماعی، مستلزم هماهنگی و همسویی تمامی عرصه‌های اجتماعی در جهت تحقق آن هدف است و متقابلاً اخلال در یک عرصه از عرصه‌های اجتماعی، موجب آشفتگی و اختلال در کلیت تحقق هدف مزبور و نهایتاً توقف آن در تمامی عرصه‌های اجتماعی می‌شود. عدالت اجتماعی به عنوان یک هدف کلان اجتماعی نیز از این امر

مستثنی نیست.

در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، عدالت اجتماعی در جایگاه کلان‌ترین راهبرد تمامی عرصه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد و وجه امتیاز و درخشش این الگو، در برابر الگوهای رقیب و معارض می‌شود. لذا برنامه‌ریزی اجرایی در جهت تحقق این کلان راهبرد، همواره باید به صورت متوازن و هماهنگ در تمامی عرصه‌های اجتماعی انجام پذیرد و پیش و پس افتادن برخی از عرصه‌ها بر برخی دیگر، موجب اختلال در کلیت عدالت اجتماعی خواهد شد و به نتایجی کاملاً بر خلاف عدالت اجتماعی خواهد انجامید. اقتصاد عادلانه همگام با فرهنگ یا سیاست یا نظام قضایی ناعادلانه و فرهنگ عدالت‌خواه همگام با اقتصاد و سیاست ناعادلانه و نظایر این گونه ترکیب‌های عرصه‌های اجتماعی، موجب ناپایداری عدالت در موارد گسترده و بسط بی‌عدالتی می‌شود و نهایتاً بسیاری از مردم و حتی دانشمندان و نخبگان را نیز به سوی باور به نظریه امتناع عدالت اجتماعی سوق خواهد داد.

راهبردهای عدالت اجتماعی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

الف - عرصه اقتصاد

- ۱- تعریف حداقل رفاه همگانی و شاخص‌های کیفی و کمی آن؛
- ۲- برقراری نسبت متوازن و پایدار میان تولید و توزیع ثروت و تدوین شاخص‌های کمی آن در علم اقتصاد؛
- ۳- تدوین نسبت عادلانه میان "کار - درآمد" و ریزشاخص‌های شغلی آن؛
- ۴- پیش‌بینی و مهار مزیت‌های ناگهانی و بادآورده توسعه صنعتی و عمرانی؛
- ۵- برچیدن ظرفیت‌های کاذب نظام اعتباری پولی و تدوین نظام واقعی ظرفیت‌ها؛

- ۶- توزیع سرانه فرصت‌ها و ظرفیت‌ها به صورت تقریباً مساوی؛
- ۷- ارتقاء بی‌وقفه توانمندی‌های افراد کمتر توانمند؛
- ۸- ساماندهی دقیق انفال به ویژه در موضوع زمین، آب و انرژی؛
- ۹- بازتوزیع فرصت‌ها و ظرفیت‌ها در میان اقشار همچنان ضعیف مانده جامعه؛
- ۱۰- جایگزینی شاخص‌های عینی کار و تولید و خدمات با شاخص‌های پولی و تبعیت شاخص‌های پولی از متغیرهای مزبور به جای تبعیت شاخص‌های عینی از متغیرهای پولی؛

ب- عرصه سیاست

- ۱- صیانت از اصل عدالت اجتماعی و پاسداری از آن و پایداری در جهت تحقق آن در گفتمان رهبری و رؤسای قوای سه‌گانه کشور و مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
- ۲- نفی کامل داد و ستد آرا و بهره‌گیری از هیجان عمومی و جلب نظر منفعت‌گرایانه رقبای سیاسی؛

ج- عرصه فرهنگ و تعلیم و تربیت

- ۱- تدوین اصول رفتار اجتماعی بر پایه عدالت اجتماعی؛
- ۲- تعمیم و تعمیق گفتمان عدالت‌خواهی در تمامی سطوح آموزش و تعلیم و تربیت؛

د- عرصه خانواده

- ۱- تدوین و ترویج شاخص‌های زندگی مبتنی بر رفتار عادلانه زوجین با یکدیگر

هـ - عرصه حقوقی و قضایی

- ۱- ترویج و تعمیم فرهنگ تلازم حقوق با مسئولیت‌ها و تکالیف؛
- ۲- تدوین معیارهای حقوق عادلانه تخصصی در عرصه‌های مختلف اجتماعی؛
- ۳- ابطال تمامی انواع کلی و مجمل تفویض و اغماض حقوق قانونی افراد؛
- ۴- تنظیم و اجرای نظام جامع ثبت مالکیت زمین همگام با تدوین و اجرای شاخص‌های ختم منازعات مزمن گذشته؛ ۵- تدوین و اجرای نظام ساده و گسترده ثبت پیشرفته عقود و معاملات در میان مردم.

نتیجه‌گیری

- ۱- پیشرفت اسلامی، فرآیند حرکت به سمت جامعه‌ی مطلوب و شایسته‌ی اسلامی است که خطوط کلی و اصول حاکم بر آن ترسیم شد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت وظیفه دارد در چارچوب مبانی و اصول اسلام و انقلاب اسلامی، اهداف اسلام، انقلاب اسلامی، قانون اساسی و اهداف هزار و چهارصد ساله‌ی اسلام و مکتب اهل بیت را تحقق بخشد. سبک زندگی را در جهت رسیدن به زندگی گوارا و حیات طیبه اصلاح کند و زمینه‌ی تحقق جامعه‌ی اسلامی و احکام اجتماعی قرآن را فراهم آورد.
- ۲- برای دستیابی به پیشرفت، باید شاخصه‌های مثبت توسعه را شناخت و آن‌ها را برای تحقق اهداف به کار برد. یکی از شاخصه‌های کشورهای توسعه یافته، ریسک‌پذیری بالا است. داشتن قدرت ریسک‌پذیری و جسارت برای نوآوری، یکی از نقاط مهم برای دستیابی به توسعه و پیشرفت است. ریسک‌پذیری امری است که در کشورهای توسعه یافته به شدت مورد توجه بوده و در رشد و توسعه این کشورها نقش اساسی ایفا می‌کند. اقتصاد معاصر، دانش‌بنیان

بوده و به شدت وابسته به نوآوری است؛ به طوری که دانش و نوآوری، یکی از موتورهای توسعه تلقی می‌شود. اگر ریسک احتمالی به نتیجه نرسیدن الگوها و برنامه‌های جدید را نپذیریم، مطمئناً از منافع احتمالی الگوهای جدید بهره‌مند نخواهیم شد. در جامعه‌ای که ریسک‌پذیری وجود نداشته باشد، تغییر ساختارها و رویه‌ها با مشکل مواجه می‌شود و عملاً امکان حرکت به سمت اهداف وجود ندارد.

۳- الگوی پیشرفت در چارچوب سند چشم‌انداز به دو لایه مفهومی و اجرایی قابل تقسیم می‌باشد. لایه مفهومی مدل، در پی اجماع و وفاق شناختی پیرامون مباحث تئوریک و تبیین و تعریف انسان و جامعه توسعه یافته بر حسب آرمان‌ها و همچنین واقعیات منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. در مدل مفهومی سعی می‌گردد بحث توسعه فرهنگی با هویت اسلامی ایرانی تلفیق گردد و مبانی و چارچوب شناختی پاسخگو، کارآمد و توانمند جهت معرفی و طراحی لایه دوم مدل توسعه یافتگی که همان بعد اجرای آن است، فراهم گردد.

۴- اگر چه حرکت به سوی دستیابی و تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت آغاز شده است، لکن بدیهی است، طراحی این الگو سختی‌ها و مشکلات خاص بنیانگذاری یک تئوری جدید کاربردی در اداره کشور (با افق ایجاد الگویی کارآمد برای همه کشورهای اسلامی و نیز همه جهانیان) را دارا می‌باشد و مشارکت فعال همه نخبگان حوزوی و دانشگاهی را می‌طلبد. بنابراین در برنامه‌های پیشرفت و توسعه لازم است هماهنگی، سیاست‌گذاری متمرکز و ساماندهی ساختار اداری کشور با مهندسی، مدیریت و نظارت بر تحقق الگوی فرهنگ اسلامی - ایرانی پیشرفت با پیش بینی و اهتمام در رفع آسیب‌ها و موانع تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیز در دستور کار قرار گیرد.

۵- الگوی توسعه در هر کشور و نظام، منطبق با اصول و ارزش‌های اساسی آن کشور است و بدیهی است که الگوهای توسعه غربی و شرقی در بهترین

حالت تنها می تواند رفاه اقتصادی را برای بخشی از جامعه به ارمغان آورد و هیچگونه توجهی به معنویت، عدالت و ارزش‌های اخلاقی و انسانی ندارد. از سوی دیگر مفهوم «اقتصادمحور توسعه» نیز در حال تحول است و مقوله‌هایی مانند ارزش‌های متعالی، توسعه انسانی، عزت و کرامت انسانی و اجتماعی، توسعه بر محور ارزش‌ها، اصالت بخشیدن به عامل اخلاقی و حتی فرهنگ محور بودن تحولات اقتصادی در متون و منابع توسعه راه یافته است.



منابع

- ۱- امرائی، حسن، (۱۳۸۸). مهندسی سیاست. تهران: شوکا. چاپ اول.
- ۲- پیروزمند، علیرضا، (۱۳۷۶)، رابطه منطقی دین و علوم کاربردی، انتشارات امیرکبیر.
- ۳- حسینی، منیرالدین، (۱۳۸۰)، یادی از استاد، دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم: انتشارات فجر ولایت.
- ۴- الدیلمی، الحسن بن ابی الحسن، (۱۳۸۴)، ارشاد القلوب، ج ۱، چاپخانه شریعت، چاپ اول.
- ۵- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴)، مجله اندیشه حوزه، شماره ۵۷، دانشگاه علوم رضوی.
- ۶- عظیمی، حسین، پیشنهاد خطوط اساسی الگویی برای برنامه ریزی در ایران بر اساس اصول قانون اساسی ج.ا.ا. ایران امروز در آینه مباحث توسعه، نشر فرهنگ اسلامی.
- ۷- علی احمدی، علیرضا، (۱۳۹۰)، پیش طرح الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، نشر تولید دانش، چاپ اول.
- ۸- کاظمی، سید علی اصغر، (۱۳۷۷)، بحران جامعه مدرن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلام.
- ۹- مرعشی، سید جعفر، (۱۳۷۷)، توسعه اجتماعی (درآمدی بر مدیریت توسعه اجتماعی)، سازمان مدیریت صنعتی.
- ۱۰- مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، سی دی حدیث ولایت، موسسه حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای.
- ۱۱- نجفی علمی، کاظم، (۱۳۸۳)، تعیین چگونگی اجرای سیاستهای کلی براساس اصول و مبانی سیاستهای فرهنگی کشور، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون فرهنگی.
- ۱۲- ندایی، هاشم، (۱۳۸۷)، توسعه اسلامی، مولفه ها و شاخصهای آن، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کارگروه مدیریت کلان دستگاههای فرهنگی.